دیگر رسی
سورمه سوری

سفری به مصر

سرزمین فراعنه

حتماً می‌دانید که مصر دارای یکی از سه تمدن مهم جهان است؛ کشوری باستانی که غبار فقر بسیاری از زیبایی‌های آن را از جلوه‌گری انداخته است. با این حال هنوز سالانه حدود ۱۴ میلیون گردشگر از این کشور زیبا و باستانی بازدید می‌کنند.

همچون بسیاری از ایرانیان دوستدار تمدن باستان من هم سال‌های سال بود بسیار علاقه‌مند بودم از این کشور دیرینه و کهن و مردم مسلمان و بافرهنگش دیدن کنم اما مشکل ویزا بین دو کشور این خواسته را غیرممکن می‌نمود تا اینکه بخت، این امکان را فراهم آورد. از پیش آمدن این سفر بسیار خشنود شدم و شروع به مرور و افزایش معلومات خودم درباره این کشور کردم. به عنوان یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های جهان پایتختش قاهره و واحد پولش پوند با ارزشی کمتر از هزار تومان، است. وسعت این کشور کمی بیش از یک میلیون کیلومتر مربع و جمعیتش کمی بیش از جمعیت ایران است. بیشتر از ۹۴ درصد مردمش سنی‌مذهب‌اند و زبان‌شان هم عربی است. شهرهای مهمش اسکندریه و پورت سعید هستند ولی شرم‌الشیخ هم از مکان‌های زیبایی است که گردشگران بسیاری را به خود جلب می‌کند.

صادرات اصلی این کشور نفت، پنبه، منسوجات، محصولات فلزی و مواد شیمیایی است. چون پرواز مستقیمی از تهران به قاهره نبود از طریق دوبی عازم آنجا شدم و چون ویزا نداشتم و تنها با یک شماره رمز که وزارت خارجه‌شان داده بود اجازه سفر یافته بودم، در فرودگاه قاهره که نه زیاد بزرگ بود و نه زیاد مدرن و تمیز، مجبور شدم دو سه ساعتی معطل دریافت ویزا شوم. از فرودگاه خارج شدم. تقریباً همه مسافران رفته بودند و چند راننده تاکسی که مسافری گیرشان نیامده بود مانده بودند. جوانی مودب به من نزدیک شد و به زبان انگلیسی از من پرسید کجا می‌روم و آیا تاکسی می‌خواهم. اسم هتلی را که قرار بود بروم گفتم، گفت می‌تواند مرا به آنجا ببرد. با او همراه شدم و وقتی شنید ایرانی هستم و یک‌هفته‌ای در آنجا خواهم بود با لحنی مهربانانه گفت می‌تواند تمام هفته با من همراه باشد. پرسیدم کرایه‌ات چقدر است و پاسخ داد ما مصری‌ها ایرانیان را بسیار دوست داریم و هر قدر دوست داشتید، بدهید!

اسمش ایمان بود، واقعاً هم جوان باایمانی بود. بیشتر آیات و سوره‌های قرآن را از حفظ بود و به دنبال هر چند جمله، آیه‌ای از قرآن را چاشنی صحبت‌هایش می‌کرد. فردای آن روز ایمان سراغم آمد تا به اهرام ثلاثه برویم. برای رسیدن به اهرام لازم بود از روی رودخانه نیل عبور کنیم. از هتل تا کنار رود نیل نیم‌ساعتی در راه بودیم. رودی با پهنه نسبتاً زیاد و آرام و در حاشیه‌اش مزارع کشاورزی به چشم می‌آمد. از حدود ۱۰ کیلومتری به راحتی می‌شد اهرام را دید. «جیزا» که اهرام در آنجا قرار دارند قدمتی پنج هزارساله دارد و قدیمی‌ترین بنای یادبود دنیاست. جیزا در ۲۰ کیلومتری جنوب غربی قاهره قرار دارد. علاوه بر سه هرم بزرگ چهار هرم کوچک‌تر نیز در جیزا قرار دارد که از زاویه‌ای دوردست‌تر همگی در یک محور قرار می‌گرفتند و اینجا مکانی بود که گردشگران با وجود باد بسیار شدید و گرمای کویری‌اش برای گرفتن عکس یادگاری انتخاب می‌کردند.

«ساکارا» یکی دیگر از نقاط دیدنی مصر بود که از نزدیک آن را دیدم. ساکارا در دلتای نیل قرار دارد و یکی از قدیمی‌ترین هرم‌های مصر در آنجا وجود دارد که به

صورت پلکانی است و مومیایی پادشاه تیتی و همسر زیبایش نفرتیتی در آنجاست. قبر ۱۶ فرعون دیگر مصر هم در ساکاراست. مصریان به ساکارا «صقاره» می‌گویند. اما نکته جالب برای من بر سر راه رفتن به ساکارا که در ۲۴ کیلومتری جنوب قاهره است اتفاق افتاد، بازدید از فروشگاه‌هایی بود که کاغذ پاپیروس را به همان صورت سنتی تهیه می‌کردند. البته مکان‌های دیگری هم به جز ساکارا در برنامه بازدیدمان بود. ممفیس، لوکسور و معبد نفرتیتی از دیدنی‌های دیگری بودند که خاطره شورانگیز سفر به مصر را برای من دوچندان کرد.

فرانسه
عباس صفاری

سفرنامه‌ای از شاعر کبریت خیس

همسایه ایرانی کارل مارکس

گورستان (های‌گیت) لندن یک گورستان قدیمی و از رونق‌افتاده است با درخت‌های تنومند کهن و قبرهای قدیمی پوشیده در جلبک و گیاهان خودرو.

تنها بخش گورستان که گلکاری شده و رونقی دارد زاویه‌ای است که کارل مارکس را در آنجا به خاک سپرده‌اند.

من نمی‌دانم در زمان مرگ مارکس نیز محله‌های گیت کارگرنشین بوده است یا پس از درگذشت او این محله به مرور زمان رونقش را از دست داده و نهایتاً اقشار پایینی جامعه لندن را به خود پذیرفته است. هر چه بوده است اما مارکس نباید ناراضی باشد که خانه آخرتش در همسایگی مردمی است که او خواهان تعالی و سربلندی‌شان بوده است. اگرچه نسخه‌ای که برایشان پیچید چندان شفابخش نبود.

دربان بی‌جیره و مواجب گورستان هنگام بازدید ما (سال ۱۹۷۸ میلادی) یکی از همین همسایگان کمونیست و مومن بود که نقشه فتوکپی‌شده گورستان را با ضربدر قرمزی که روی آرامگاه مارکس زده بود به قیمت ۵۰ پنس به بازدیدکنندگان می‌فروخت.

اگرچه او خودش را کارگر بازنشسته کارخانه ذوب‌آهن معرفی کرد اما شباهت چندانی به کارگرجماعت نداشت و مانند اکثر دربانان گورستان‌ها خمیده و کمی مرموز به نظر می‌رسید.

پس از خرید نسخه‌ای از نقشه گورستان او خود نیز در برابر ما به راه افتاد که قبر مارکس را نشان‌مان بدهد. طرز راه رفتنش کازیمودوی گوژپشت را به یاد من آورد. طوری قدم برمی‌داشت که پنداری تمام عمر دربان گورستان بوده است.

ناگفته نماند که بدون راهنمایی او نیز می‌توانستیم آرامگاه مارکس را که مجسمه سنگی بزرگی روی آن نصب شده بود، پیدا کنیم.

سنگ قبر مارکس مکعب سنگی بزرگی است به طول و عرض دو متر که نیم‌تنه سنگی مارکس روی آن و رو به سمت شرق نصب شده است. در میان سنگ قبرهای اطراف مجسمه که باد و باران طی دو قرن گذشته نام و نشان اکثر صاحبانش را پاک کرده است، چند سنگ قبر نو و براق نیز به چشم می‌خورد.

راهنمای ما توضیح می‌دهد که این قبرها متعلق به انقلابیون جهان‌سومی است که وصیت کرده‌اند در جوار مارکس به خاک سپرده شوند.

از او می‌پرسم طی مدتی که دربان این گورستان بوده است مردم کدام کشور بیشتر به دیدار قبر مارکس آمده‌اند. کمی به فکر فرومی‌رود و می‌گوید هندی‌هایی که به نظر او کمونیست‌های معتقدی هستند و پس از آن مردم خاور دور و جوان‌هایی از خاورمیانه. جدیدترین سنگ قبر گورستان متعلق به یکی از همین جوانان خاورمیانه‌ای است که به فاصله ۱۵ متر از آرامگاه مارکس به خاک سپرده شده است.

من گورستان‌های بسیاری را در شهرهای مختلف دنیا دیده و گشته‌ام اما باید اعتراف کنم سنگ قبر این جوان عجیب‌ترین سنگ قبری است که به عمرم دیده‌ام. به غیر از نام و تاریخ تولد و وفاتش که در زیر سنگ و با حروف ریز حک شده است، مابقی سنگ قبر بخشی از یک مقاله سیاسی و کلیشه‌ای است که او در زمان حیاتش نوشته است. ما نمی‌دانیم این جوان یا بازماندگان او به چه منظوری این سنگ قبر را سفارش داده‌اند اما حسی که از تماشای آن به من دست داد دلسوزی بود.

سفر به منگره

آنجا که لرستان به آخر می‌رسد و خوزستان آغاز می‌شود

مجتبی گهستونی

اندیمشک در کنار خرابه‌های شهر قدیم (لور) و اری‌ترین احداث شده است. لور شهری آباد بود که جغرافی‌نویسانی چون اصطخری و مقدسی از آن نام برده‌اند. گویا شهر لور تا قرون وسطی از آبادی بهره‌مند بود و پس از آن رو به ویرانی نهاده است. اندیمشک در دوره قاجاریه و در حکومت حاج صالح‌خان مکری با ساختن قلعه‌ای اهمیت پیدا کرد و صالح‌آباد نامیده شد، سپس به اندیمشک تغییر نام یافت. مردم این شهر در گذشته در کپرها، چادرهای ساده و بعدها در خانه‌های گلی زندگی می‌کردند ولی امروزه رشد و توسعه قابل توجهی یافته است.

آگاهی از این تاریخ و برخورداری دشت اندیمشک از جاذبه‌های طبیعی تنی چند از اعضای انجمن دوستداران میراث فرهنگی تاریانا خوزستان و باشگاه گردشگری خوزستان را وادار کرد که به این شهرستان سفر کنند. بزرگی و پراکندگی آثار و محوطه‌ها ما را بر آن داشت تا برای شناسایی هرچه بهتر یک منطقه فقط به منطقه منگره برویم.

چون سفرمان از عصر روز پنجشنبه آغاز شده بود لذا تصمیم گرفتیم برای استفاده از خنکای هوا به کنار رودخانه دز در دزفول برویم تا ساعاتی را در آنجا اقامت کرده و شام را در آنجا میل کنیم.

بعد از آن به اندیمشک رفتیم و به میزبان‌مان امیرهوشنگ عارفیان مسوول گروه کوهنوردی نسیم زاگرس پیوستیم تا پای سخنان وی بنشینیم. صحبت درباره کوه‌ها، غارها، رودخانه‌ها، فرهنگ و... منطقه اندیمشک به اضافه شنیدن موسیقی محلی – تنبک و کمانچه - که لرها و بختیاری‌ها آن را خیلی دوست دارند، خالی از لطف نبود. شنیدن از جاذبه‌هایی که در کوه‌های اطراف اندیمشک وجود دارد به خصوص غارها و چشمه‌هایی که عمدتاً دسترسی به آنها ساده است ما را بر آن داشت که در آینده با هماهنگی از قبل انجام‌شده به بازدید از آنها بپردازیم.

اما اندیمشک از شمال به استان لرستان و به شهرستان پلدختر و در استان خوزستان با شهرهای دزفول و شوش همسایه است و در جاده ترانزیت جنوب به مرکز کشور است. راه‌آهن سراسری جنوب به شمال از اندیمشک می‌گذرد و مردم شمال خوزستان همگی از ایستگاه اندیمشک استفاده می‌کنند.

در مسیر مهم‌ترین جاده و راه‌آهن ترانزیت جنوب به شمال کشور از دیرباز شهری بوده است متکی به خدمات حمل و نقل. این شهر نقطه پایان کوهستان، نقطه پایان لرستان و نقطه آغاز جلگه و نقطه آغاز خوزستان است یعنی علاوه بر موقعیت ترانزیت از این ویژگی برخوردار است که یکی از مهم‌ترین نقاط عطف در کل مسیر دوهزار کیلومتری شریان اصلی جنوب به شمال ایران محسوب می‌شود. این شهر به واسطه خاک شبه‌چرنوزیوم نیمه غربی و جنوبی و نیز باغستان‌های بخش شرقی نیز از استعداد قابل توجهی در بخش کشاورزی برخوردار بوده و همچنین از روزگاران دور کل منطقه الوار گرمسیری و شمال جلگه خوزستان یکی از مهم‌ترین مراکز دامداری کشور بوده است. استقرار صنایع در شعاع مناسبی از پهنه شهر نیز یکی دیگر از نقاط قوت اندیمشک به شمار می‌رود. آثار تاریخی منطقه الوار گرمسیری، جاذبه طبیعی سدهای دز و کرخه و همجواری با آثار تاریخی شوش و دزفول برای اندیمشک همچنین موقعیت ویژه گردشگری ایجاد کرده است. از نظر محیطی نیز علاوه بر خاک مناسب، باید به امکان دسترسی به منابع قابل توجه آب با عبور دو رودخانه بزرگ و پرآب کشور از شهرستان اشاره کرد.

در اندیمشک دشت لاله با زیبایی‌هایی که همگی طبیعی هستند شامل گل‌های خودرو در بهار پذیرای گردشگران زیادی از نقاط مختلف کشور از جمله نقاط دیدنی این شهرستان است.

بقعه متبرکه حضرت شاهزاده احمد با کوه‌های بلند «درتاگیره» که در اصطلاح محلی به آن دارتاگریوه می‌گویند، آبنگون، ایبر و کوه‌های تنگوان در شمال شهرستان از محیط‌های زیبا و دیدنی شهرستان هستند.

ساعت ۶:۳۰ صبح جمعه، پنجم مهرماه مکان اقامت‌مان را ترک می‌کنیم تا به منگره برویم. ساعت ۸:۳۰ به روستای گرداب می‌رسیم. در این منطقه چند روستای دیگر وجود داشت. روستاهایی بین‌دشتی وسیع و چهار کوه ۱۸۰۰ تا ۲۳۰۰ متری که پس از اقامت کوتاهمان در باغ یکی از اهالی به مدت بیش از سه ساعت به کوهنوردی در کوه «چاوونی» به ارتفاع ۱۸۵۰ متر می‌پردازیم. رسیدن به قلعه با سختی‌ها اما لذت‌های فراوان همراه بود. اگر کمک و همراهی آقای عارفیان نبود قطعاً بیش از سه ساعت کوهنوردی‌مان طول می‌کشید.

البته پیش از کوهنوردی‌مان حضور خانمی که در حال خشک کردن دانه‌های انار بود نظرمان را جلب می‌کند. او با خشک کردن دانه‌های انار آنها را کیلویی ۱۵۰۰ تا دو هزار تومان می‌فروشد. البته در روستاهای جلگه اندیمشک صنایع دستی هم رونق دارد که قرار است از محل اعتبارات زاگرس، مرکزی برای عرضه و فروش محصولات صنایع دستی در منطقه «منگره» احداث شود.

مشاهده پرندگانی زیبا همچون هدهد در کنار مرغ و خروس‌های محلی و پرواز آنان بر فراز دشت مخملی زیبایی چشم‌نوازی را به همراه داشت.

از منگره و در کنار روستای گرداب، قلعه منگره یکی از دژهای مهم و تاریخی است که روی قله‌ای به نام «دز» در غرب روستای گرداب ساخته شده که به نیمه دوم قرن پنجم هـ ق مربوط است. قلعه نزدیک به دو هزار متر مربع مساحت و ۱۲ اتاق دارد که طول و عرض هر یک از آنها ۴/۵۰ × ۵/۵۰ متر است. در ضلع شرقی، چهار مخزن ذخیره آب کنده شده که روی آن را با نوعی ساروج پوشانده‌اند. این قلعه تا سال ۷۹۵ هـ ق، یعنی تا هنگام حمله امیر تیمور به لرستان، اهمیت نظامی خود را حفظ کرده بود. اکنون تنها دیوار و طاق‌های فروریخته قلعه بر جا مانده است. به دلیل طولانی بودن مسیر و نداشتن وقت مناسب دیدن این قلعه را به وقت دیگری در سال جاری موکول کردیم.

پس از پایین آمدن از کوه به همراه سه تن از همراهان به آبتنی در برکه روستای گرداب پرداختیم تا گرمای بدن‌مان با خنکی آب از بدن‌مان خارج شود.

ساعت ۳ عصر گرداب را به قصد دیدن قلعه رزه در ۱۰ کیلومتری بیدرویه ترک کردیم. قلعه رزه از جمله قلعه‌های تاریخی است که منزلگاه کاروانیان جاده خرم‌آباد به اندیمشک بوده است و اکنون نیز جاده سراسری خوزستان از کنار آن می‌گذرد.

بنای قلعه روی تپه‌ای سنگی نهاده شده است. سراسر دیوار جنوبی آن به دره‌ای مشرف است که عمق تقریبی آن ۱۵ متر و بلندی دیوار آن در بعضی قسمت‌ها هشت متر است. برای ورود و خروج از قلعه تنها یک در وجود داشته است. قلعه دارای ۱۳ اتاق بزرگ و چند اتاق کوچک است که در جهات مختلف ساخته شده‌اند. نمای کلی دیوارها و اتاق‌های قلعه نشان می‌دهد در ترکیب معماری آن تغییراتی داده شده است. این قلعه، هنگام تصرف لرستان به دست قوای دولتی رضاخان، اهمیت نظامی فراوان داشته و یکی از قرارگاه‌های مهم جلوگیری از شورش، یاغی‌گری و غارت به شمار می‌رفته است. قلعه با گچ و سنگ قلوه ساخته شده است. در شمال این قلعه یک بنای دو طبقه کوچک‌تر نیز وجود دارد که به حسینیه یا قلعه حسینی مشهور است.

عکس: سایت تاریانا

دسترسی

برای رفتن به منگره زیبا با دره‌های مرتفع یادم می‌آید که سال‌ها پیش همین مسیر را که طی می‌کردیم مسیر خاکی بود اما ظاهراً احداث جاده آسفالته در سال ۷۶ توسط بخشدار وقت، آرزوهای طولانی مردم منطقه منگره و منطقه شاهزاده احمد را پس از سال‌ها پیگیری فراوان، سالیان دور برآورده می‌شود و با مسیر شکافی، جاده‌های کوهستانی و صعب‌العبور منگره – شاهزاده احمد و انارکی فقط به دست یکی از فرزندان توانمند و شجاع آن منطقه به نام جودکی امکان‌پذیر می‌شود.

چراغ قرمز ـ ۳

شیوند؛ روستای آب و آبشار

در خردادماه چهار بار به روستای شیوند سفر کردم. شیوند در ۶۵ کیلومتری شرقی ایذه و در ۱۵ کیلومتری جنوب غربی بخش دهدز واقع شده است.

شیوند به دلیل همجواری با دریاچه سد و رودخانه کارون از یک سو و رشته‌کوه‌های زاگرس با جنگل‌های بلوط، رودخانه‌ها، آبراهه‌ها، آبشارها، صخره‌ها و نیز برخورداری از میکروکلیمای مطلوب و خنک از جذابیت‌ها و قابلیت‌های متمایز گردشگری در خوزستان برخوردار است. با اینکه هنوز تسهیلات و امکانات گردشگری در شیوند ایجاد نشده است اما همه‌ساله گردشگران به ویژه از نقاط مختلف استان خوزستان برای تفریح و بهره‌مندی از طبیعت زیبای منطقه به ویژه آبشار شیوند به این مکان سرازیر می‌شوند. روستای شیوند در پشت دریاچه سد کارون ۳ که تاکنون بکر و دست‌نخورده باقی مانده است به قدری زیباست که به واسطه خصوصیات فراوان چشمان هر گردشگری را خیره می‌کند. چون منطقه شیوند بخشی از مناطق حفاظت‌شده شالو و منگشت است به همین دلیل تصمیم‌گیری در رابطه با نوع گردشگری و طراحی محورها و پهنه‌های گردشگری در آن باید تابع ضوابط و مقررات و قوانین طرح‌های گردشگری و اکوتوریستی در منطقه حفاظت‌شده باشد. روستای شیوند از سه روستای بزرگ شیوند، نوشیوند و پشت‌آسیاب تشکیل شده و از توابع دهستان دنبالەرود شمالی، بخش دهدز شهرستان ایذه محسوب می‌شود. این روستا در دل منطقه حفاظت‌شده منگشت و شالو واقع شده که رودخانه کارون از شرق آن می‌گذرد. آبشار بلند و مرتفع روستای شیوند نیز از دل کوه فاصله‌ای حدود چهار کیلومتر را طی می‌کند و به دریاچه می‌ریزد. روستای شیوند به لحاظ واقع شدن در پای کوه و در داخل منطقه حفاظت‌شده منگشت و شالو از تنوع جانوری و گیاهی خاصی برخوردار است. در شیوند کاروانسرایی قدیمی از دوره صفوی؛ دوآسیاب، گوربری و قلعه‌ای مخروبه متعلق به هزاره‌های سوم و چهارم قبل از میلاد حاکی از تاریخ دیرینه و دوره حیات طولانی در این منطقه وجود دارد. کاروانسرای عباسی و امامزاده محمد، سیاهچال قدیمی‌ای که زمانی به عنوان زندان از آن استفاده می‌شده و ۲۵ متر عمق دارد همچنین وجود کتیبه‌های بردگاری و آثار نقش‌برجسته از جمله آثار تاریخی این منطقه است. به گفته جبار کیانی رئیس شورای روستای شیوند جمعیت فعلی این روستا ۲۵۰۰ نفر است و در این مجموعه روستایی ۳۰۰ خانوار ساکن هستند. اقتصاد روستا بر پایه فعالیت‌های زراعی، باغداری، دامداری و پرورش زنبور عسل استوار است. عمده‌ترین تولیدات روستا شامل انار، گردو، بادام، گیلاس، برنج، گندم، و فرآورده‌های لبنی است. وی به نمایندگی اهالی روستای شیوند گفت: ما خواهان ایجاد جاده از ایذه به شیوند هستیم چرا که در مسیر ایذه به شیوند بیش از ۱۰ روستا مثل روستاهای سادات‌حسینی، جوکار، غریبی‌ها، باجول و... وجود دارد. الان حدود چهار سال است که در محاصره آب سد کارون ۳ قرار گرفته‌ایم. در حال حاضر به واسطه انتقالی که با شناور صورت می‌گیرد رفت و آمد ما با کندی صورت می‌گیرد. در این خصوص و در بعضی مواقع شاهد تلف شدن بعضی از روستایی‌ها بوده‌ایم. کیانی در بخش دیگری از سخنان خود به فعالیت‌هایی که قرار بود سازمان میراث فرهنگی در شیوند انجام بدهد، اشاره کرد و گفت: بسیاری از مسوولان به شیوند آمده‌اند ولی فقط حرف زده‌اند و نتوانسته‌اند کاری از پیش ببرند. درست است که آبشار به این روستا جاذبه خاصی داده است ولی باید به آدم‌های آن نیز توجه شود. اگر قرار است میراث فرهنگی در اینجا جاده دسترسی مناسب تا آبشار ایجاد کند حتماً لازم است زیرساخت‌های دیگری نیز ایجاد شود. ما خواهان توجه همه‌جانبه به شیوند هستیم تا نه‌تنها گردشگر بلکه اهالی روستا نیز احساس کمبود نکنند. اهالی روستای شیوند به زبان پارسی با گویش لری سخن می‌گویند و برگزاری مراسم اعیاد ملی و مذهبی در میان مردم روستای شیوند اهمیتی والا دارد. استفاده از لباس محلی بختیاری مرسوم است. وجود چنین ویژگی‌هایی طبعاً افراد خوش‌ذوقی را در خود پرورش می‌دهد و به همین دلیل است که دوخت و تولید جاجیم، نمد، شال‌گردن، خورجین، گلیم و فرش‌های دستباف رایج‌ترین صنایع دستی روستای شیوند محسوب می‌شوند.

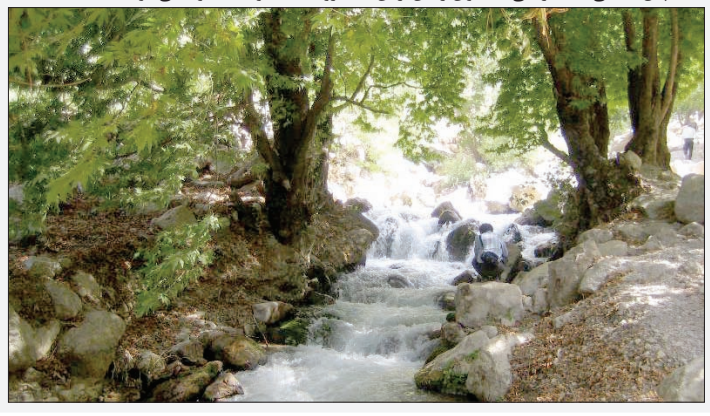

سودوکو شماره ۱۳۰

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		2				9		
			3	8	6			
	4						7	
	8	6		3		7	9	
3		9		4		8		2
	2	5		7		4	3	
	1						5	
			8	6	7			
		7				2		

حل سودوکو شماره ۱۲۹

8	2	4	9	7	3	5	6	1
3	9	1	6	8	5	7	4	2
6	7	5	2	4	1	8	9	3
4	6	7	8	5	2	3	1	9
9	1	2	7	3	6	4	8	5
5	8	3	1	9	4	2	7	6
1	4	9	5	2	7	6	3	8
2	3	8	4	6	9	1	5	7
7	5	6	3	1	8	9	2	4

جدول شماره ۱۱۲۲

افقی

۱- نظام غیردینی – سرپرستی ۲- برقرار کردن ارتباط – پایتخت کشور ژاپن – خودداری از پرداخت چک یا برات ۳- جهاز عروس – شهری در فارس – از اعضای درخت ۴- پدر مرده – گوشه‌ای در دستگاه همایون ۵- حجمی مسموم از دود توتون – از هفت قلم آرایش قدیم- باعث صرف وقت و انرژی ۶- اسم – سعی و کوشش – سوره زنان – حرف همراهی ۷- برنا- میل خانم‌های باردار – لبه شمشیر ۸- روحیه حریف را تضعیف می‌کند – هشتمین حرف الفبای یونانی – پدر عرب ۹- سنت – تنظیم برق رایانه – خواب وحشتناک ۱۰- نوعی پخت برنج – از وسایل آزمایشگاهی – پیکار – غر زدن ۱۱- سلسله، دودمان – اقبال – آهنگ ۱۲- محفظه‌ای برای ذوب فلزات – ایثار ۱۳- دوستان- گوشه‌ای ضربی در دستگاه شور- سوگند ۱۴- برج کبوتران – خفت – وسیله حمل بار ۱۵- از شخصیت‌های مهم و تاثیرگذار در پیروزی انقلاب – در خواب می‌کشند.

عمودی:

۱- کتابی از ارنست همینگوی – شاه مقتدر هخامنشی ۲- قسمتی از ستون فقرات – مقعر – ریگ نرم – بله نجار ۳- فضای ذهنی که برای چیزی تصور می‌شود – بندر فرانسه – زبانی از خانواده‌های هندی و ایرانی ۴- کشوری درون خاک آفریقای جنوبی – ستاره – جمع شاهد ۵- هر حفره بسته در بدن – لقب اشراف زمین‌دار اروپایی ۶- عریان – آکنده و سرشار – گیاهی خوشبو – فاصله میان دو نقطه ۷- ماه قیصری – خطاب بی‌ادبانه – رودمرزی – مظهر استواری ۸- فرمان کشتی – توت سیاه‌رنگ – گریز ۹- ژست هنرپیشه – وسیله‌ای برای اتصال دو شبکه مختلف کامپیوتری به هم – کارگردان و بازیگر سریال‌های طنز ۱۰- زگیل – شاعر جغتایی ۱۱- کاشف نفت در ایران – آدرس ترسیمی ۱۲- هنر – مایه عذاب و دردسر – هیچ‌گاه – یاوه و چرند ۱۳- بازیگر سینما – بازگشتن – عارضه ناشی از افزایش بیلی روبین در خون ۱۴- عشوه‌گر – میمون دنیای قدیم – کهن‌ترین بخش ادبیاتی اوستا ۱۵- دام – کمربند نظامی – تیم فرانسوی.

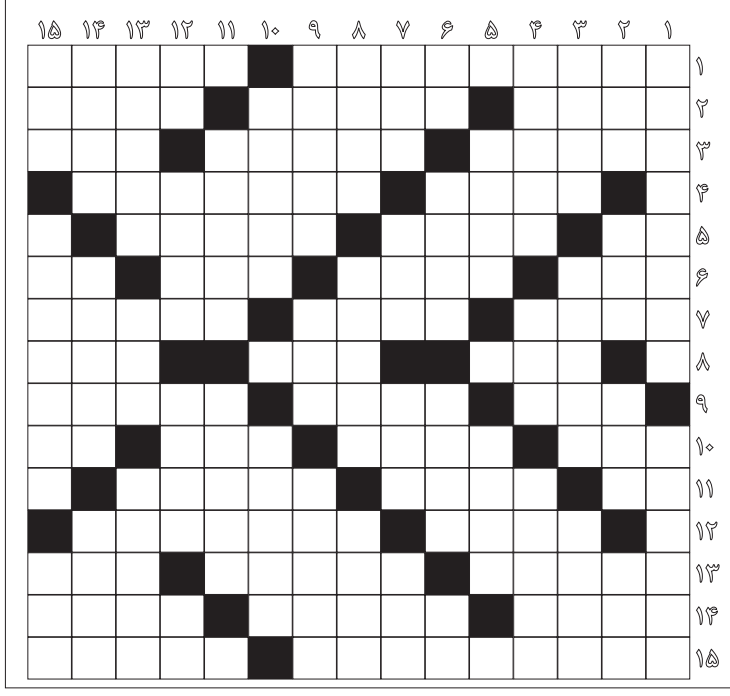

حل جدول شماره ۱۱۲۱